



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۶/۱۷

دوکتور نور احمد خالدي

مروری بر تاریخ معاصر افغانستان

درس ششم: حاکمیت خانواده آل یحیی

۱۹۲۹-۱۹۷۸ م

(برای استفاده محصلان رشته تاریخ پوهنتون هرات)

استاد: دوکتور نور احمد خالدي

ماه می سال ۲۰۱۹ میلادی

قسمت پنجم

آغاز بی ثباتی سیاسی در افغانستان

جمهوری محمد داوود خان

داوود خان بنیادگذار نظام جمهوری و نخستین رئیس جمهور افغانستان بود. او همچنین یکی از قدرتمندترین زمامداران افغانستان در چند دهه اخیر شمرده می شود. داوود خان با یک کودتای نظامی در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ خورشیدی مطابق به ۱۹۷۳ م به قدرت رسید و کودتای پیروزمند خود را "انقلاب" نامید. داوود خان با سرنگون کردن محمد ظاهر شاه، پسر کاکا/عموی خود نظام سلطنتی را در افغانستان پایان داد و در نخستین پیام رادیویی خود، پس از پیروزی در کودتا، روی کار آمدن نظام جمهوری را اعلام کرد.



سردار محمد داوود خان پسر سردار محمد عزیز خان فرزند محمد یوسف خان پسر سردار یحیی خان فرزند سلطان محمد خان طلایی و اولاد سردار پاینده محمد خان محمد زایی می باشد. داوود خان در سال ۱۲۸۸ هجری شمسی مطابق ۱۸ جولای ۱۹۰۹ میلادی در شهر کابل پایه عرصه وجود گذاشت تحصیلات ابتدایی خود را در لیسه حبیبیه، تحصیلات عالی خود را در فرانسه تکمیل و تحصیلات نظامی را در لیسه حربیه بپایان رسانید.

داوود خان پیش از آن که به مقام صدارت عظمی منصوب شود، در سمت های گوناگون نظامی و امنیتی، منجمله ولایت قندهار و وزیر حربیه کار کرد. او برای مدتی در پست وزارت داخله هم کار کرد. اما او به اینها قناعت نکرد و در سال ۱۹۰۳ به مقام صدراعظم منصوب شد و ده سال در این مقام بود. داوود خان آزادی نسبی را که در زمان صدارت شاه محمود خان، به میان آمده بود محدود کرد و یک "حکومت پولیسی" را در کشور برقرار کرد. اما داوود خان در زمینه احوالات زیر بناهای اقتصادی در کشور کوشید، پلانهای پنج ساله اقتصادی و اجتماعی اول و دوم را طرح و تطبیق کرد که به بهبود شاهراه های عمده کشور و احداث بندهای برق و آبیاری انجامید. همچنان بعد از سرنگونی نظام سلطنتی به طرح و تطبیق پلان هفت ساله در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی اقدام کرد اما بعد از دوسال در هفتم ثور ۱۳۵۷ (۲۷ اپریل ۱۹۷۸ م) رژیم او سرنگون شد.

در نتیجه کودتای سرطان نظام شاهی مشروطه بزور تفنگ توسط افسران وابسته به حزب دموکراتیک خلق و هواخواهان آنها به همکاری افراد بسیار نزدیک به داوود خان با پلانگذاری و قوماندۀ شخص داوود خان ساقط شد و بدینصورت عمل ناپسند کودتای نظامی در کشور رواج یافت.

دولت سردار محمد داود خان بعد از احراز قدرت سیاسی در اولین بیانیه رادیویی خویش در رابطه به شکل نظام سیاسی گفت "من برای سعادت آینده وطن خود جز قایم ساختن یک دموکراسی واقعی و معقول که اساس ان بر خدمت به اکثریت مردم افغانستان برقرار باشد راه دیگری سراغ نداشتم و ندارم به نظر بنده تهداب چنین یک وضع اجتماعی تامین کامل حقوق مردم و اعتراف کامل به اصل حاکمیت ملی است که باید به دو اصل فوق ظاهر و یا پوشیده خلل وارد نشود".

اظهارات فوق را که انعکاس نیت پاک و احساس میهن پرستانه محمد داود بود نباید مورد سوال قرار داد، اما نسبت عوامل معین که شاید عدم تکوین و رشد سیاسی و بیسوادگی گسترده در جامعه و یا هم مصلحت زمان باشد سردار محمد داود خان آنچه در مورد دموکراسی و حاکمیت ملی در اول تعهد کرده بود حین تدوین قانون اساسی طفره رفت، ارزیابی مواد مبنی بر وظایف و صلاحیت های ریس جمهور در قانون اساسی حوت ۱۳۵۵ جمهوری افغانستان نشان میدهد که بیشترین صلاحیت در مقام ریاست جمهوری که خود در ان قرار داشت کاملاً متمرکز شده بود. مسلم است که ملت و مردم از طریق نماینده گان یعنی اعضای پارلمان یا ولسی جرگه در حاکمیت کشور سهم میگیرند، اما در قانون اساسی حوت ۱۳۵۵ جمهوری محمد داود حکومت مکلف به اخذ رای اعتماد از پارلمان یا ولسی جرگه نبود. ولسی جرگه یا شورای ملی نمیتوانست از حکومت یا اعضای کابینه سلب اعتماد نماید، با این اساس مردم نمیتوانستند از طریق نماینده خود در اداره کشور سهم بگیرند و اراده خود را در حاکمیت دولتی تمثیل نمایند، برطرف ساختن و قبول استعفای مامورین ریس جمهور و اعضای کابینه طبق ماده (۸۷) و قسمت یازدهم ماده قانون اساسی از وظایف و صلاحیت های ریس جمهور به شمار میرفت. از همین

جهت ماده ۲۱ قانون اساسی جمهوری افغانستان که حکم میکرد "حاکمیت ملی در افغانستان به مردم تعلق دارد" عملاً تحت سوال قرار میگرفت.

در قانون اساسی محمد داود خان جز حزب انقلاب ملی که مربوط به سردار محمد داود بود سایر احزاب اجازه فعالیت نداشت. این موضوع در ماده چهل و یکم قانون اساس چنین توضیح گردیده است.

"به خاطر روشنی خواست های اجتماعی و تربیت سیاسی مردم افغانستان تا زمانیکه این ارزو برآورده میشود و به رشد طبیعی خود میرسد تحت رهبری حزب انقلاب ملی که بناد گذار و پیش اهنک انقلاب ملی و مترقی ۲۶ سرطان مردم افغانستان است در کشور صرف سیستم یک حزبی مستقر میباشد." بدین ترتیب از نظر سردار محمد داود خان تا زمانیکه جامعه افغانستان به رشد و پخته گی معین سیاسی میرسید برای دولت افغانستان شکل حکومتی یک حزبی را برگزیده بود.

صرف نظر از شخصیت قابل احترام و تقوای تحسین آفرین سردار محمد داود خان و آرزوهای ایشان برای پیشرفت اقتصادی کشور، نتایج این کودتا از لحاظ سیاسی و امنیتی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور فاجعه بار بوده اند، طوریکه عواقب فاجعه بار کودتای داود خان، کاملاً نقطه چرخش سیاسی در تاریخ افغانستان است. بیایید نتایج و عواقب این کودتا را بطور خلاصه جمع بندی کنیم :

۱- در نتیجه این کودتا نظام شاهی بزور تفنگ توسط افسران وابسته به حزب دموکراتیک خلق و هواخواهان آنها به همکاری افراد بسیار نزدیک به داود خان با پلانگذاری و قومانده شخص داود خان ساقط شد و

بدینصورت عمل ناپسند کودتای نظامی در کشور رواج یافت؛

۲- نظام شاهی مشروطه پارلمانی متکی به قانون اساسی و دموکراسی ساقط شد و بجای آن یک رژیم دیکتاتوری یکفره متکی بر فرمان رییس دولت کودتا، در کشور حاکم شد و نام آنرا جمهوری گذاشتند؛

۳- نه تنها هیچ تحول مثبت در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم و کشور بوجود نه آورد بلکه برعکس مردم افغانستان را از تمام دست آوردهای سالها مبارزات اجتماعی و سیاسی محروم ساخت.

۴- مقام صدراعظم که در برابر پارلمان مسول بود لغو شد.

۵- پارلمان لغو شد.

۶- استقلالیت قوه قضاییه لغو شد.

۷- آزادی مطبوعات لغو شد.

۸- با لغو مقام صدراعظم، پارلمان، لغواستقلالیت قوه قضاییه و لغو آزادی مطبوعات تمام ارگانهای دولت در دست یک نفر تمرکز نمود.

۹- استقلالیت پوهنتونها در انتخاب رییس پوهنتون و رؤسای پوهنخی ها بر اساس انتخابات آزادانه کدرهای علمی پوهنتونها و پوهنخی ها لغو شد.

۱۰- اتحادیه استادان لغو شد، اتحادیه محصلان لغو شد، حق و آزادی بیان لغو شد، آزادی اجتماعات لغو شد.

۱۱- کودتای ۲۶ سرطان شیرازه تاریخی نظام دولت افغانستان را برهم ریخت و به تمام عناصر مخالف این نظام از یک طرف فرصت سرنگونی آنرا میسر ساخت و از جانب دیگر راههای پیروزی و امید پیروزی را فراهم ساخت.

۱۲- رژیم کودتا به سرکوب خونین مخالفین بالقوه و بالفعل دست زد که تعداد زیاد افراد قربانی این سرکوب شدند.

۱۳- در این سرکوب گروههای راستگرای مذهبی و روشنفکران دموکرات میانه رو هدف قرار گرفتند. از جمله محمد هاشم میوندوال صدراعظم روشنفکر و دموکرات در زیر شکنجه جلادان رژیم جان داد و تعداد دیگری اعدام شدند.

۱۴- در نتیجه این کودتا رهبران گروههای افرای راست مذهبی مانند ربانی، گلبدین و مسعود از کشور نموده به آغوش سازمان استخبارات نظامی پاکستان پناه بردند که نتایج فاجعه بار آن تا امروز ادامه دارد.

۱۵- با استفاده از فرصت، گروههای کمونیستی پرچم و خلق خود را جانشین منطقی رژیم کودتا دانسته مجدداً متحد شدند و برای بدست گرفتن قدرت آمادگی گرفتند و در نتیجه با اولین فرصت رژیم را ساقط کردند.

۱۶- اگر تمام دستاورد دوران صدارت داوود خان تطبیق پلانهای پنجساله اول و دوم بود، در دوره دموکراسی بعد از او نیز پلانهای پنجساله سوم و چهارم طرح و تطبیق شدند.

۱۷- رژیم کودتا ناگزیر بدست همان کودتاجیان اولی و رفقای آنها ساقط شد.

۱۸- کسانیکه حقوق و آزادیهای دوره دموکراسی، آزادی مطبوعات، استقلالیت قوه اجراییه، قوه مقننه و قضاییه و سیستم مشروطه پارلمانی قدرت دولتی را محکوم کرده، شرایط بحران امروزی را ناشی از آن آزادیها میدانند باید بدانند که به حکم روند طبیعی تکامل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جوامع بشری ملتها دیر یا زود این آزادی ها را میخوانند و بدست می آورند و کسانیکه این آزادیها را از مردم سلب میکنند در هر فرهنگ و قاموس سیاسی به عنوان دیکتاتور شناخته میشوند!

۱۹- کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ در عمل نظام شاهی مشروطه متکی به دموکراسی پارلمانی را ساقط کرد و بجای آن یک نظام حاکمیت مطلقه سیاسی را نصب کرد و اسم آنرا جمهوریت گذاشت تا حدیکه دورنمای سیاسی آن نیز یک دیکتاتوری یک حزبی (حزب غورزنگ ملی) بدون آزادی مطبوعات و دموکراسی را نوید میداد.

با آن که بسیاریها معتقدند که داوود خان با حمایت شوروی پیشین و حزب دموکراتیک خلق افغانستان به قدرت رسید، اما نیرومند شدن روز افزون رهبران حزب دموکراتیک خلق در سالهای آخر حکومت داوود خان برای او خوشایند نبود.

داوود خان در اوائل سال ۱۳۵۷ شماری از رهبران عمده این حزب را زندانی کرد، ولی هواداران حزب دموکراتیک خلق با نفوذ زیادی که در بدنه دولت، به خصوص در اردو و پولیس داشتند، دست به کودتا زدند. کودتا علیه داوود خان بامداد هفتم ثور به رهبری حزب دموکراتیک خلق آغاز شد و تا پایان روز همه چیز تغییر کرد. داوود خان با ۱۸ تن از اعضای خانواده خود در داخل کاخ ریاست جمهوری کشته شدند و قدرت به دست حزب دموکراتیک خلق افتاد.

سلسله بارکزیایی-خانواده آل یحیی:

شماره	نام شاه/رییس دولت	نسبت با امیر قبلی	پایتخت	دوره حکومت (میلادی)
۱	محمد نادرشاه	محمد نادر خان پسر محمد یوسف خان، نواسه سردار یحیی خان و کواسه سردار سلطان محمد خان طلایی حکمران پشاور اولاد سردار پاینده محمد خان محمد زایی برادر امیر دوست محمد خان بود.	کابل	۱۹۲۹-۱۹۳۳
۲	محمد ظاهر شاه	پسر محمد نادر خان	کابل	۱۹۳۳-۱۹۷۳
۳	محمد داوود خان (رییس دولت)	برادر زاده نادر خان پسر سردار محمد عزیز خان فرزند محمد یوسف خان	کابل	۱۹۷۳-۱۹۷۸

فهرست منابع مأخذ

مأخذ:

۱. میر محمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ۱۳۸۵ هجری شمسی، عرفان، تهران.
۲. جواهر لعل نهرو، نگاهی بتاریخ جهان.
۳. تاریخ وقایع و سوانح افغانستان، به تصحیح میر هاشم محدث، تهران، انتشارات امیرکبیر. —
۴. فکرت هروی، محمد آصف (به کوشش)، ۱۳۶۹، عین الوقایع، تاریخ افغانستان در سالهای ۱۳۲۴-۱۲۰۷ ه ق، محمد یوسف ریاضی هروی، تهران، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی. —
۵. محمد حسن خان اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۴۵۴.
۶. افغانستان در مسیر تاریخ، میر غلام محمد غبار، جلد اول چاپ کابل.
۷. سیدال یوسفزی، نادر چگونه به پادشاهی رسید، مرکز نشراتی میوند، سبا کتابخانه، پشاور، ۱۳۷۸
۸. شهرت ننگیال، شاه سابق محمد ظاهر شاه، ترجمه نصیر احمد نشاط، مرکز نشراتی میوند، سبا کتابخانه، پشاور، ۱۳۷۹
۹. محمد نجیم آریا، محمد هاشم میوندوال، مرکز نشراتی میوند، سبا کتابخانه، پشاور، ۱۳۷۸

پایان